جدال قدیم و جدید

مناظره درباره سیدجواد طباطبایی

- سیدجواد طباطبایی، پژوهشگر فلسفه و تاریخ و سیاست، متولد ۱۲۲۴ تبریز
- شاگردی و حضور در دروس فلسفی آیت‌الله غروی
- شاگردی و حضور در کلاس‌های اسفار اربعه جواد مصلح
- لیسانس حقوق از دانشگاه تهران
- اخذ دکترای دولتی پس از یازده سال تحصیل از دانشگاه سوربن پاریس با رساله‌ای تحت عنوان اندیشه سیاسی هگل جوان
- تدریس و پژوهش در دانشگاه‌های تهران و سوربن و...
- معاون اسبق پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی
- عضو هیات علمی دانشنامه جهان اسلام
- برنده جایزه نخل طلای علمی فرانسه به‌دلیل پژوهش‌های عمیق فلسفی
- عضو هیات علمی دایرةالمعارف فرانسه و تدوین برخی از مدخل‌های آن

جواد طباطبایی هم‌اکنون تنها به پژوهش و تألیف و تحقیق در تاریخ اسلام و ایران مشغول است.

- برخی از تالیفات وی عبارتند از: زوال اندیشه سیاسی در ایران، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی، جدال قدیم و جدید، ابن‌خلدون و علوم اجتماعی، ولایت مطلقه، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران و...

کیوان آرام: پرداختن به سیدجواد طباطبایی و آرا و افکارش، آن هم در این مقال تقریباً امری محال است و قطع یقین این مقدار نوشتن نیز شیر بی یال و اشکمی از آرای او هم نخواهد بود. با این همه ننگ این «گناه» را می توان به شیرینی مزین شدن مهرگان به نام و کمال سیدجواد طباطبایی نادیده گرفت. با این حال نباید فراموش کرد که قصور این ناتوانی در ریختن بحر در کوزه ای کار صعب و دشواری است و از این منظر حتماً بزرگواران و مشتاقان اندیشه و افکار سیدجواد طباطبایی ما را خواهند بخشید. چه به قول موسوی گرمارودی؛ پایان سخن پایان من است، تو که انتها نداری. که البته این قاعده در کلیت مهرگان نیز رایج است و محدود به طباطبایی نمی شود.

سیدجواد طباطبایی را چه می توان نامید؟ روشنفکر؟ پژوهشگر، جامعه شناس؟ تاریخ نویس؟ او خود هیچ‌یک از این تعابیر را برای خود برنمی تابد. چنانچه در جایی می گوید: «کار من پژوهش در اندیشه سیاسی است. من نه جامعه شناسم و نه تاریخ نویس.»

با این حال او پژوهشگری است که گرچه در عرصه سیاست پژوهش می کند، اما کمتر دچار «سیاست زدگی» است. از جمله تفاوت‌هایی که طباطبایی را از عموم روشنفکران ایرانی متمایز می کند، ثبات فکری اوست. شاید علت اصلی این ثبات کشف بیماری لاعلاج «ذهن ایرانی» توسط او باشد. چنانکه می گوید: «ذهن ایرانی، به طور عمده «سیاسی» - یعنی سیاست زده - است و بنابراین به جامعه شناسی و تاریخ سیاسی علاقه بیشتری دارد. نخستین ایرادی که به من گرفته می شود، این است که حوادث تاریخ هر کشوری، سیاسی است و بدیهی است آن حوادث را باید با روش های تاریخی و جامعه شناختی توضیح داد نه با تاریخ اندیشه. سال هاست نوع جامعه شناسی ابتدایی و مارکسیسم مبتذل ذهن روشنفکر ایرانی را فلج کرده است و هر بحثی را به این جامعه شناسی و مارکسیسم سطحی تقلیل می دهد.»

از دیگر ویژگی های بارز جواد طباطبایی، نفس پژوهشگری او است. طباطبایی اندیشه خود را از گونه پرداختن به پدیده های روزآمد سیاسی، اجتماعی، بیان نمی کند. بلکه سعی می کند تا نظر خود را در خلال پژوهش ها و پرداخت هایی به دست آورد که از منابع دست اول در حوزه اندیشه غرب و ایران گرفته است. این ویژگی طباطبایی باعث می شود تا مبتدا، محتوا و منتهای بحث در نظر او هماهنگ و همسان ماند. حال آنکه بسیاری از روشنفکرانی که به بسیاری از نتایج او رسیده اند، جدا از تفاوت در روش با او، در مبانی و درون مایه بحث هایشان، حتی در مقایسه با نتایجی که خود از مقدماتشان به دست آورده اند، دگرگون و پریشان می نمایند.

یکی از اعتراضات جدی طباطبایی در سال های اخیر هم از این منظر نقد اساسی و پایه ای به مقوله ای تحت عنوان «روشنفکری دینی» است.

او مانع اصلاح یا اصلاح دینی را مخالفان اصلاح نمی داند و می گوید: مانع اصلی اصلاح یا اصلاح دینی، اشفتگی ذهنی، عدم انسجام منطقی و مفاهیم ناروشن هواداران اصلاح دینی است.

در واقع سیدجواد طباطبایی دلیل اصلی عدم توفیق هواداران اصلاح را نبود دریافتی خردگرای از دیانت می داند و با ذکر این جمله هگل که در تقریرات خود درباره فلسفه تاریخ می گوید: «سیاست هر قومی با تصوری که آن قوم از خداوند دارد، مطابق است» به این نتیجه می رسد که چون «در سده های چهارم تا ششم هجری در تمدن اسلامی دریافتی خردگرای از دیانت وجود داشت» شاهد شکوفایی این دوران هستیم. [۱]

شاید از ویژگی های بارز سیدجواد طباطبایی در ارائه نظریه های سلبی اش «استقلال عقلانی» او در پژوهش های تاریخی اش باشد. چیزی که خود البته «عدم التزام عقل به شرع» می داند و معتقد است این عدم التزام عقل به شرع از زمان فارابی و ابن سینا به بعد خدشه دار شده است.»

و البته همین نبود «استقلال عقلانی» است که از نظر او موجب آغاز انحطاط تمدن ایرانی شده است. چنانکه معتقد است پس از سپری شدن دوره زرین سده های سوم و چهارم هجری، بخاطر زوال اندیشه و تأمل فلسفی و نیز فضای پیرامونی که بر ایران و اندیشه ایرانی گذشته است، دچار انحطاطی ناگزیر شده است. از نظر طباطبایی برای گذر از این انحطاط مزمن و نفس گیر باید ابتدا بر این انحطاط و عوامل آن حاکم و آگاه شد و اگر ایرانیان و اندیشمندان ایرانی تاکنون به این امر واقف نشده اند و یا تأملی در آن نداشته اند، به این معنا نیست که فرهنگ و تمدن ایرانی دچار انحطاط نشده است. او می گوید: «فقدان مفهوم انحطاط در یک فرهنگ به معنای عدم انحطاط آن نیست، که عین آن است.» و البته مهمترین دلیل وجود این انحطاط را چنین عنوان می کند که «مهمترین دلیلی که نشان دهنده انحطاط در فرهنگ ایران و ایرانی است، همین عدم وجود (بخوانید درک) مفهوم انحطاط در آن است.» [۲]

«استقلال عقلانی» سیدجواد طباطبایی به حدی است که وقتی در قبال این پرسش که رابطه دیانت و انحطاط چیست قرار می گیرد، پاسخ می دهد که «از دیدگاه تاریخ اندیشه اصل دریافت ما از دیانت است. اسلام، به عنوان دیانت، تنها یکی از عوامل گوناگون حیات اجتماعی ایرانیان بوده و هست. در ارزیابی آن باید به تاریخ و تاریخ اندیشه توجه داشت و از افراط و تفریط دوری گزید.» [۳] او ادامه می دهد که «سخنان گزافه ای مانند اینکه نه فرهنگ دین زاده ما چون مرده به دنیا آمد، مرده خواهد ماند.» که «آرامش دوستدار» از سر دین ستیزی افراطی در کتاب خود می گوید، نوعی پرخاشجویی است و نسبتی با توضیح تاریخی ندارد. نظریه «امتناع تفکر در فرهنگ دینی» آرامش دوستدار نیز دیدگاهی یکسره بی معنا و ناسازگار با مواد تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران است... این امر در نظریه «امتناع تفکر در فرهنگ دینی» روشن نیست که چرا می توان فیلسوفانی مانند لایب نیتس، فیشته، شلینگ، کانت، هگل و هیدگر را - که التزام برخی از آنان به دیانت بیشتر از فارابی، ابن سینا و سهروردی بود - در شمار بزرگترین فیلسوفان تاریخ اندیشه آورد، اما فارابی، ابن سینا و سهروردی، به جرم دین خویی، جایی در تاریخ فلسفه ندارند.» [۴]

گرچه نظریه انحطاطی که طباطبایی در کتاب «دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران» به دست می دهد، از آرای ایجابی جواد طباطبایی محسوب می شود، اما مهمترین کتاب او تاکنون از نگارش دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران کتاب «ابن خلدون و علوم اجتماعی» است. او در پیشگفتار این کتاب روشن می کند که هدفش از نوشتن کتاب هایی چون «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران» و «زوال اندیشه سیاسی در ایران» بیان این حقیقت است که «با سپری شدن عصر زرین فرهنگ ایران، یعنی با چیرگی ترکان سلجوقی بر ایران زمین که اندیشه ایرانشهری - یونانی، دستخوش کسوف جدی و بویژه با یورش تمدن برانداز مغولان، از بنیاد، دچار تزلزل شد، بقایای اندیشه عقلانی به باد فنا رفت و دوره ای در تاریخ اندیشه و عمل ایرانی آغاز شد که ما از آن به دوره بن بست در عمل و امتناع در اندیشه تعبیر کردیم...» [۵]

طباطبایی در این دو کتاب راه برون رفت از این بن بست را تجدد و اندیشه تجدد می داند. «زیرا خروج از وضعیت بحران و بن بست، در شرایط امتناع، جز از مجرای تغییر موضعی اساسی در دیدگاه امکان‌پذیر نمی‌تواند باشد.» [۶] او لازمه ورود به تجدد را نقادی جدی از سنت می داند و می نویسد: «تنها با نقادی از سنت می توان به طور جدی با سنت روبرو شد، وگرنه نمی توان سنت را با امکانات خود سنت مورد پرسش قرار داد. سنتی که توان طرح پرسش و لاجرم، تجدید نظر در مبانی خود را از دست داده باشد، نمی تواند شالوده ای استوار برای تذکر و تجدید آن فراهم آورده و به دست دهد...» [۷]

با این حال طباطبایی معتقد است که ما در به کارگیری همین راه برون رفت هم دچار خطا و بحران شده ایم و علت بحران تجدد در ایران و شکست آن را، به رغم کوشش های صد و پنجاه ساله گذشته، وجود بحران در بنیادهای عقلانیت می داند و قائل به آن است که علت اصلی این بحران امتناع روشنفکران معاصر ما از طرح نظریه انحطاط در درون نظامی از مفاهیم فلسفی است و می گوید که برای طرح نظریه انحطاط نیازی به روش جامعه شناختی نیست و اصلاً مسبب تمام شکست ها را در ماجرای تجدد متوسل شدن روشنفکران ما به به جامعه شناسی می داند.

حال آنکه از نظر طباطبایی جامعه شناسی خود از ابزار و اسباب و لوازم تجدد است و با امکان پذیر شدن تجدد، امکان تأسیس یافته است.» و معتقد است «در وضعیت امتناع اندیشه که ماهیت پیوند با سنت روشن نیست و سنت بر اثر تصلب، سدی استوار در برابر هر گونه تجدیدنظر در مبانی برافراشته است، کاربرد روش جامعه شناختی نیز، به نوبه خود، نه تنها نخواهد توانست گرهی باز کند، بلکه خود مانند روش تاریخی، مشکل آفرین نیز خواهد بود.» او محصول نامیمون پیوند علوم اجتماعی جدید و سنت را مولودی به نام «ایدئولوژی جامعه شناسانه» تعبیر می کند و از این منظر تفاسیر تجدیدستیز از سنت را که توسط نویسندگانی چون داریوش شایگان، جلال آل احمد، احسان نراقی، علی شریعتی و... مطرح شده است را در «جهت تصفیه حساب با تجدد نوپای ایرانی» می داند و معتقد است که «آنان با دریافت نادرستی که از ماهیت اندیشه غربی پیدا کرده بودند، به دنبال ویژگی های شرایط امکان تأسیس تجدد در غرب، در وضعیت امتناع در ایران بودند و حاصل بحث آنان، از سویی، راه را بر درک درست سنت مسدود کرد و از سوی دیگر، دریافتی ساده انگارانه از تحول اندیشه در مغرب زمین را القا کرد که از بنیاد با ماهیت آن اندیشه و نسبت آن با تمدن غربی سنخیتی نداشت.» [۸]

از مشخصه های اصلی آثار طباطبایی، همین گزنده بودن قلم اوست که بی محابا اندیشمندان ۵۰ سال اخیر ایران را به تیغ تیز نقد خویش می زند. او در حالی به روشنفکران چپ مانند شریعتی و جلال آل احمد که سر سنتیز با فلسفه داشتند در کتاب ابن خلدون و علوم اجتماعی و همچنین مقاله ماورای تجدد می تازد که از سوی دیگر کسانی چون سروش و داوری را نیز به باد نقد می گیرد و اندیشه آنان را فاقد اصالت می داند و معتقد است که سروش با بازیرداختن از اخلاق زاهدانه و صوفیانه در واقع با شمشیری چوبین به پیکار تکنولوژی رفت و بدیهی است که شکست محتومی در انتظار احیاگری اوست. جالب اینجاست که بسیاری طباطبایی را در شیوه تاریخ نگاری و فلسفه پردازی به دلیل تأثیر شدید او از هگل - می دانیم که او رساله دکترایش در سوربن تکوین اندیشه سیاسی هگل جوان بود - هگل ایران خوانده اند. این سخن گرچه سخن دشواری است، اما به هر حال طباطبایی به قدری شیفته هگل است که به زعم بسیاری از شواهد و مدارک هگل را نه تنها مولد فاشیسم و توتالیتاریسم نمی داند، بلکه معتقد است که او را بنده واقعی دموکراسی و آزادی است. حتی در جایی درباره هگل می نویسد: «وقتی هیتلر ظهور کرد، هگل مرد.» [۹] با این همه سیدجواد طباطبایی که پروژه فکری اش تدوین تاریخ پایه ای ۵۰۰ سال گذشته ایران زمین و تدوین نظام فلسفه سیاسی نوین است، به اذعان بسیاری پژوهشگری است که بیش از هر روشنفکری در تاریخ معاصر ما به تاریخ اشراف دارد و گرچه خود را پژوهشگر اندیشه سیاسی می داند، اما آگاهی تاریخی اش به همراه دانش عمیق اش در فلسفه باعث ظهور تئوری «امتناع اندیشه در ایران» که به تئوری «انحطاط» مشهور شده است، گشته. شاید از این منظر بتوان اعتراف کرد که او جمع فلسفه و تاریخ و دین و سیاست است. هنری که کمتر اندیشمندی قادر به وصال آن بوده و هست!

پی نوشت ها:

۱- گستره اقتدار دین در حیات اجتماعی ایرانیان، گفت وگو با مجله تلاش
۲- زوال اندیشه سیاسی در ایران، سیدجواد طباطبایی
۳- گستره اقتدار دین در حیات اجتماعی ایرانیان، گفت وگو با مجله تلاش
۴- همان
۵- ابن خلدون و علوم اجتماعی، سیدجواد طباطبایی
۶- همان
۷- همان
۸- همان
۹- سه روایت فلسفه سیاسی هگل، نشر دانش، فروردین و اردیبهشت ۶۵

آگهی استخدام

شرکت مهندسان مشاور برای تکمیل کادر بخش آموزش خود نیاز به یک نفر کارمند با مشخصات زیر دارد:

۱- دارای مدرک کارشناسی ترجیحاً در یکی از رشته‌های مرتبط با آموزش
۲- تسلط کامل به نرم‌افزارهای MS-office
۳- تسلط کافی به زبان انگلیسی

واجدین شرایط می توانند سوابق کامل کاری خود را حداکثر تا تاریخ ۸۴/۶/۳۰ به صندوق پستی شماره ۴۵۹۱-۱۳۶۵ یا نشانی الکترونیکی: hrm@sazeh.co.ir ارسال نمایند.

آگهی مزایده

پارس ژنراتور

شرکت پارس ژنراتور درنظر دارد یک دستگاه کالیبراتور طولی (Measuring Bench) با مارک Trimos را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

از شرکتها ، کارخانجات وآزمایشگا ههایی که مایل به شرکت در مزایده می باشند دعوت می شود ظرف مدت یک هفته از تاریخ درج آگهی جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی : کرج - کیلومتر ۷ جاده ملارد -ضلع شمالی نیروگاه منتظر قائم- امور قراردادها وفروش مراجعه نمایند.

آگهی مناقصه شماره ۸۴/۷

مرکز پشتیبانی ستاد بنیاد مستضعفان در نظر دارد نگهداری فضای سبز ساختمان مرکزی بنیاد را از طریق مناقصه عمومی به شرکتهای معتبر واگذارنماید .

لذا از کلیه متقاضیان دعوت می گردد جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به نشانی : تهران ،میدان آفریقا ، ابتدای بزرگراه رسالت ،ضلع شمالی پارکینگ بیهقی ساختمان مرکزی بنیاد ، همکف ساختمان ۲طبقه اداره حسابداری -امور قراردادها مراجعه نمایند.متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۸۰۶۶۳ تماس حاصل نمایند.

مرکز پشتیبانی ستاد بنیاد مستضعفان

اطلاعیه

اولین نمایشگاه بین المللی صنایع آلومینیوم

ایران - تهران ۱۷ تا ۲۰ شهریور ۱۳۸۴

ALUM EXPO 2005

8-11 september

مجمع امور صنفی صنوف تولیدی و خدمات فنی تهران در راستای حمایت از سیاستهای دولت جمهوری اسلامی ایران اولین نمایشگاه بین المللی صنایع آلومینیوم ALUM EXPO 2005 را از تاریخ ۱۷ تا ۲۰ شهریور ۱۳۸۴ (8-11 september) در محل دایمی نمایشگاههای بین المللی تهران با حضور شرکتها و تولید کنندگان صاحب نام داخلی و خارجی برگزار می کند. از علاقه مندان به شرکت در این نمایشگاه دعوت به عمل می آید برای کسب هر گونه اطلاعات بیشتر به دفتر ستاد برگزاری نمایشگاه واقع در ساختمان اداری سالن شماره ۲۷ نمایشگاه بین المللی تهران مراجعه و یا با تلفنهای ۸۸۱۱۴۷۶ و ۸۸۳۶۳۴۰ - ۲ و یا فاکس شماره ۸۸۲۴۷۸۷ تماس حاصل نمایند.

ستاد برگزاری اولین نمایشگاه صنایع آلومینیوم

صنوف مرتبط: صنایع تولید آلومینیوم، صنایع حمل و نقل هوایی، دریایی، ریلی و زمینی، صنایع الکترونیک، صنایع پتروشیمی، صنایع برق و ارتباطات، صنایع تولید قطعات خودرو، موتوسیکلت و دوچرخه، صنایع نمایشگاهی و دکوراسیون، صنایع بسته بندی، صنایع مبلمان، لوستر و روشنایی، صنایع لوازم خانگی و آشپزخانه، صنایع لوازم ساختمانی، رنگ و رزین، صنایع قفل و یراق، صنایع لوازم ورزشی، صنایع سقف و کف کاذب و صنایع جانبی و مکمل آلومینیم

پوریان سیر ۲۵۶۲۰۲۲
آنتالیا جهان نورد ۸۲۸۳۵۸۰
استانبول ازمیر کوش آداسی بدروم ماریاریس کیش (اختیاری)

ziloo
را از آژانسهای خدمات مسافرت هوایی بخواهید

فول چارتر
آیا تورهای تابستان گذشته دلتابان را به خاطر دارید؟؟
تنها مجری تورهای کوش آداسی + ازمیر + بدروم (دیدیم)
برای اولین بار در ایران پرواز Corendon هلند
آنتالیا
کمر بلک
دلتابان
۲۲۲۲۳۲۶
شریعتی بالاتر از میرداماد تعطیلات باتر است

پذیرش آگهی
تلفن: ۸۷۳۶۵۹۰ نمابر: ۸۷۳۶۹۶۸